

آزمودن خطاست آزمودن خطاست

□ دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره تمدن غرب

تهیه و تنظیم: محمدعلی روزبهانی

مظهر سلطه‌طلبی

فرهنگ غرب مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است. مثل هر فرهنگ دیگری زیبایی‌هایی هم دارد، اما فرهنگ غرب و اروپایی‌ها یک عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر تا آن جایی که ما می‌شناسیم، آن عیب را ندارد و آن سلطه‌طلبی است.

دیدار جوانان با رهبر معظم انقلاب ۷/۱۱/۱۳

تجربه غرب؛ یک تجربه ناموفق

تجربه غرب، تجربه ناموفقی است. محصول تجربه غرب در نظام‌های اجتماعی، یکی فاشیسم است حکومت نازی یکی کمونیسم است حکومت بلوک شرق سابق - یکی هم لیبرالیسم است - حاکمیت مطلق العنان امروز دنیا، که مظهرش آمریکاست و نور چشمی و عزیز کرده‌اش هم اسرائیل است - همه جنایتهایی که تقریباً در طول صدوپنجاه سال اخیر صورت گرفته - از آغاز روشنفکری غربی در عرصه عمل - محصول تجربه غرب است؛ یک قلم آن، دو جنگ جهانی است که میلیون‌ها کشته بر ملتها تحمیل کرد؛ بدون این که خودشان بخواهند. گروه‌های سیاسی در اروپا، در فرانسه و در سایر کشورها چقدر تلاش کردند که از جنگ جهانی اول پیشگیری کنند - با مقالات آتشین، با نطق‌های مهیج، با اجتماعات گوناگون - اما نشد که نشد. نمونه دیگرش را بعد از گذشت تقریباً نود سال از وقوع جنگ جهانی اول، در تهاجم آمریکا به عراق ملاحظه کردید. یک نمونه دیگر از ناکامی‌های تجربه غربی در اداره بشر و تأمین خوشبختی انسان، مسأله استعمار است. آفریقا قاره‌ای است که هم استعداد انسانی در آن جا هست، هم استعداد عجیب طبیعی. اروپایی‌ها به آن جا رفتند و با کشتار و قتل و غارت، از بی‌خبری مردم استفاده کردند و حتی مجسمه‌های خودشان را به عنوان آزادکننده این کشورها در آن جاها نصب کردند؛ یک نمونه‌اش کشور زیمبابوه بود. من وقتی به آن جا رفتم، دیدم مجسمه‌ای را در وسط جنگلی - که از تماشاگاه‌های معروف زیمبابوه است - نصب کرده‌اند. گفتم این



کیست؟ گفتند مجسمه‌ی سردار انگلیسی است که اول‌بار زیمبابوه را فتح کرد و به انگلیسی‌ها داد! اسم او «رودز» یا «رودز» بود، که کشور زیمبابوه سالهای متمادی به نام او «رودزیا» نامیده می‌شد! شماها یادتان نیست؛ قبل از انقلاب، زمان جوانی ما، اسم کشور زیمبابوه به رودزیا تغییر داده شد. آمدند کشور را گرفتند، روی منابع دست گذاشتند، انسانها را تحقیر کردند، پرده گرفتند و ده‌ها بلا بر سر مردم آوردند؛ آخر هم اسم خودشان را روی آن کشور گذاشتند؛ یعنی این کشور متعلق به ماست! هند یک

نمونه دیگر آن است. اگر کتاب «نهضت آزادی هند» را - که حدود سی و پنج سال پیش بنده آن را ترجمه کردم - ببینید، نشان می‌دهد که در شبه‌قاره هند چه شده است.

یک نمونه دیگر، فاشیسم است. ممکن است کوره‌های آدم‌سوزی ای که یهودی‌ها ادعا می‌کنند، دروغ باشد؛ اما جنایات هیتلر دروغ نیست. فاشیسم یک نمونه از تجربه غربی است. کمونیسم و اردوگاه‌های کار اجباری و به سبیری فرستادن و بقیه چیزها از همین قبیل است. لیبرالیسم را هم امروز شما دارید مشاهده می‌کنید؛ زندان ابوغریب و زندان گوانتانامو و زندان‌های دیگر. من در گزارشی خواندم که آمریکایی‌ها ده‌ها زندان شبیه ابوغریب و گوانتانامو در سرتاسر دنیا دارند؛ اما هیچ‌کس از آنها خبر ندارد و اجازه افشاء نمی‌دهند. در افغانستان آمریکایی‌ها زندان دارند و خدا می‌داند در بسیاری جاهای دیگر هم دارند. استعمار نوینی که ده‌ها سال بر کشورها حاکم بود و استعمار فرانوینی که امروز حاکم است و طرح‌های بلندپروازانه و جاه‌طلبانه و ظالمانه‌ای که نسبت به کشورها دارند، نمونه‌هایی از این جنایت‌هاست.

یک نمونه دیگر از محصول تجربه غربی، ساخت بمب‌های اتمی و شیمیایی است. تجربه غربی، تجربه ناموفقی بود؛ هم برای بشریت ناموفق بود، هم برای مردم خودشان. تصور نشود که اروپا و آمریکا برای کشورهای دیگر بدبختی آوردند، اما مردم خودشان را خوشبخت کردند؛ این‌طور نیست. البته آنها دنیا را به انسانهای درجه یک و درجه دو تقسیم می‌کنند. آنها معتقدند که انسان به قول خودشان سفید - یعنی انسان اروپایی - انسان درجه یک است و انسانهای دیگر، درجه دو هستند. اگر به نفع انسان درجه یک، هرگونه جفایی به انسان

درجه دو شود، از نظر منطق تمدن غربی و فرهنگ حاکم بر تجربه غربی ایرادی ندارد! اما اینها حتی برای مردم خودشان هم مفید نبودند. امروز در آمریکا و کشورهای غربی علم و ثروت و قدرت نظامی و همه چیز وجود دارد، جز خوشبختی. در آن‌جا خوشبختی نیست؛ خانواده نابود شده است؛ آمار جنایت و قتل و انواع و اقسام فسادها حیران‌کننده است؛ احساس امنیت نیست؛ احساس آرامش نیست؛ لذا اغلب جریان‌های پوچ‌گرایی از اروپا برخاسته‌اند. زمان جوانی ما هیپی‌ها بودند؛ الان هم انواع و اقسامی از اینها هستند که شماها اسم هاشان را شنیده‌اید یا خوانده‌اید یا در تلویزیون فیلم هایشان را دیده‌اید. در تجربه غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست.

در آن‌جا رسانه‌ها آزاد است؛ اما رسانه‌ها متعلق به چه کسانی است؟ رسانه‌ها متعلق به سرمایه‌داران بزرگ است. در آمریکا، معنای آزادی رسانه‌ها، آزادی سخن گفتن بزرگ سرمایه‌داران است. عمده‌ترین مطبوعات، متعلق به آنهاست. مهمترین چاپخانه‌ها و ناشران کتاب متعلق به سرمایه‌داران است. یکی از مسئولان کنونی درباره تسخیر لانه جاسوسی کتابی به زبان انگلیسی نوشته بود. این مسئول محترم خودش به من می‌گفت: به هر ناشری در آمریکا مراجعه کردیم، حاضر نشدند این کتاب را چاپ کنند؛ چون ناشران عمده، وابسته به دستگاه‌های سرمایه‌داری‌اند؛ بنابراین مجبور شدیم به کانادا برویم. در آن‌جا با زحمت توانستیم یک ناشر پیدا کنیم که این کتاب را چاپ کند. ایشان می‌گفت آن ناشر بعداً با من تماس گرفت و گفت از وقتی من تعهد کرده‌ام این کتاب را چاپ کنم و آنها این را فهمیده‌اند، به من تلفن‌های تهدیدآمیز می‌شود و جان من را تهدید می‌کنند! آزادی واقعی بیان و آزادی انتخاب هم به معنایی که آنها شعارش را می‌دهند، در آن‌جا نیست.



در آن جا [مردم غرب] شب و روز باید کار کنند و خانواده‌ها از دیدار خانوادگی مهربانانه و سرشار از عاطفه محروم باشند. در مطبوعات آمریکا نوشته بودند که اغلب خانواده‌های آمریکایی چون نمی‌توانند یکدیگر را در خانه ببینند، ناچارند سر ساعتی با هم در بیرون از خانه قرار بگذارند و مثلا یک استکان جای بخورند! بعد هم خانم با آقا مرتب به ساعت خود نگاه می‌کند تا وقت شغل دوامش نگذرد! خانواده به این شکل درآمده؛ این خوشبختی است؟! این تجربه، تجربه ای نیست که کسی از آن تقلید کند. خطاست که ما راه طی شده به منزل نرسیده غرب را دنبال کنیم.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

شاگردان گستاخ و کسب علم از مسلمانان

غربی ها علم را از ما یاد گرفتند. شما به کتاب پیر روسو - «تاریخ علوم» - نگاه کنید: آن جا می گوید: چهار پنج قرن قبل تاجری در یکی از کشورهای اروپایی به استادی مراجعه می کند و می گوید می خواهم فرزندم درس بخواند؛ او را به کدام مدرسه بفرستم؟ استاد در جواب می گوید اگر به همین چهار عمل اصلی - جمع و ضرب و تفریق و تقسیم - قانع هستی، می توانی او را به هر کدام از مدارس کشور ما یا دیگر کشورهای اروپایی بفرستی؛ اما اگر بالاتر از آن را لازم داری، باید او را به کشور اندلس یا به مناطق مسلمان نشین بفرستی. این را پیر روسو می نویسد؛ این حرف من نیست. جنگهای صلیبی به آنها کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان آنها به این مناطق، کمک کرد تا از ما بیاموزند. هجرت دانشمندان ما به مناطق آنها و منتقل شدن کتابهای ما به آنها، کمک کرد تا از ما بیاموزند. یک روز آنها از ما یاد گرفتند و شاگرد ما بودند، بعد شدند استاد ما؛ الان هم ما از آنها یاد می گیریم و شاگرد آنها می شویم و بعد می شویم استاد آنها. امروز اگر برتری علمی با غربی هاست، در آینده نه چندان دوری، با همت و اراده شما می توان کاری کرد که فردا آنها از شما یاد بگیرند.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه های استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۷

سگ وحشی پاپیون زده

آمریکا کشوری است دارای ثروت و قدرت افسانه‌ای نظامی و تحرک سیاسی فوق العاده؛ اما اوج دوری از انسانیت و معنویت و اخلاق و

فضیلت را هم شما در همین جامعه آمریکایی می بینید. گناه در همه جوامع بشری هست؛ اما گناهی که عرف و قانون بشود و برای آن سرمایه گذاری و از آن دفاع شود، انحرافی بی نظیر است. امروز این انحراف، در جامعه آمریکایی به عنوان پیشرفته ترین جامعه علمی، صنعتی، مالی، اقتصادی و سیاسی به روشنی و وضوح مشاهده می شود. شما می بینید یک مرد یا یک زن، با ظاهر آراسته و با شکل کاملاً مطلوب، که اگر کسی این مرد را در خیابان یا این زن را در یک فروشگاه ببیند، هیچ گونه احساس بدبینی نسبت به روش اخلاقی آنها ندارد؛ اما همین مرد و همین زن در زندان ابوغریب بغداد به یک گرگ درنده تبدیل می شوند. زیر این ظاهر انسانی تمیز، مرتب، ادکلن زده و کراوات و پاپیون بسته، یک سگ وحشی خوابیده است. عکسهایی که از زندان ابوغریب منتشر شد، خواب رفته ترین لایه های اجتماعی جوامع غربی را هم تکان داد و بیدار کرد. شکنجه گر، یک زن - با احساسات لطیفی که یک زن باید داشته باشد - شکنجه شده، چندین مرد عراقی؛ جرم، مورد سوءظن قرار گرفتن؛ همین! و شکنجه، در حد اعلامی شناخت؛ و جامعه ای که این جنایت را مرتکب شده است، یک جامعه پیشرفته علمی، صنعتی، مدنی، پُرادعا و مدعی رهبری بشریت! وقتی رکه هدایت معنوی و جریان منتفد فرهنگی سالم در جامعه ای غایب بود، نتیجه این می شود. این سرنوشت غرب بود که به این ورطه دچار شود. شما جوانها آن روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حسیض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. نتایج فعل و انفعالات تاریخی، سریع و زودرس نیست. روزی این نتایج دیده خواهد شد که دیگر علاج پذیر نیست؛ و آن روز برای تمدن غربی فراخواهد رسید؛ هشدارش را هم همین امروز خود روشن بینان غربی دارند می دهند.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی ۱۳۸۳/۰۳/۲۱

ستیز با معنویت؛ اساس تمدن غربی

تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد؛ این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند - این خوب بود - اما با معنویت به جنگ برخاستند؛ این بد و انحراف بود. لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هر چه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می شود؛ هم خود آنها و هم همه بشریت را با میوه های زهرآگین خود تلخکام می کند؛ همچنان که تا امروز کرده است.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

نکات مثبت را فراموش نکنید

من به طور طبیعی از جمله آدم‌های غرب‌ستیزم. چنان‌که هیچ ویزگی غرب مرا مهوت و مجذوب نمی‌کند. در عین حال ویزگی‌های مثبت غرب را از روی محاسبه تأیید می‌کنم.

سخنان رهبر انقلاب در جمع اهالی هنر موسیقی ایران زمین، فروردین ۱۳۸۷